

رؤیای مادری؛ تأخیر در فرزندآوری چه بر سر زندگی زوجین می آورد؟



درنک و غم‌انگیز. با این حال تلاش کردم در همه روایت‌ها یک چیز پررنگ باشد: امید به ادامه و تلاش برای تحقق این رؤیا. تمام کسانی که در این ماجرا بودند، به این نتیجه رسیدند که واقعاً تولد هر انسانی، یک معجزه است و هیچ چیز آن در دست انسان نیست. روایت‌های مشابه هم زیاد بود؛ به همین دلیل ۱۴ روایت انتخاب و تجربیات آنها را این‌جا ارائه شد.

شده و از فرزند دوم محروم شده‌اند. او با بیان اینکه تلاش کردم در این امر زیر روز معجزه تازه‌ای اتفاق می‌افتد» روایت زنان را به دیدگاه‌ها و سبک زندگی‌های متفاوت این ارائه کنم، به افزایش تعداد زوجین نابارور اشاره کرد و ادامه داد: این نوع ناباروری خیلی فراگیر شده است، به طوری که هر کدام از ما در میان دوستان یا آشنایان با افرادی مواجه هستیم که به دلایل مختلف فرزندآوری خود را به تأخیر انداختند و حالا برای مادر شدن مجبور به طی کردن پروسه درمان هستند. در این اثر ۱۴ روایت ارائه شده است که روایت اول، به خود من و تجربه‌ای که در این زمینه داشتم، اختصاص دارد.

تولد هر انسان، یک معجزه است.

مظاهری اضافه کرد: با آدم‌های مختلفی در این زمینه صحبت کردم. برای بعضی از راویان، پایان این مسیر شیرین بود و برای برخی

نویسنده کتاب «هر روز معجزه تازه‌ای اتفاق می‌افتد» با اشاره به ۱۴ روایت مستند این اثر، از تأثیرات تأخیر در فرزندآوری بر زندگی زوجین ایرانی گفت.

تولد هر فرزند برای هر کسی که طعم شیرین پدر یا مادر شدن را چشیده، مانند یک معجزه است. معجزه‌ای که مانند یک جوانه کم‌کم شکل می‌گیرد و از هیچ، تبدیل به یک انسان کامل می‌شود. فرزندآوری برای بخش قابل توجهی از ایرانی‌ها امروز به یک رؤیا تبدیل شده است؛ ایرانی‌هایی که خودشان تا همین چند دهه پیش، چندین خواهر و برادر داشتند و تجربه داشتن یک خانواده پرجمعیت را چشیده‌اند.

طبق آمارهای اعلام شده از سوی وزارت بهداشت؛ از میان هر پنج زوج ایرانی، یک زوج نابارور است. ناباروری در ایران نسبت به آمار سازمان بهداشت جهانی بالاست، آخرین بررسی دفتر سلامت و جمعیت خانواده وزارت بهداشت نشان می‌دهد؛ حدود سه میلیون زوج نابارور در کشور زندگی می‌کنند که سابقه ناباروری اولیه و ثانویه دارند. بنا بر آمارهای منتشر شده از سوی مسئولان؛ میزان ناباروری در ایران ۲۰،۲ درصد است که رقم قابل توجهی است. مصافق بر اینکه هر ساله تعداد ۸۸ هزار نفر به

این جمع اضافه می‌شوند. گفته می‌شود تأخیر در فرزندآوری در کنار بالا رفتن سن، از جمله علل ناباروری زوجین در ایران است. اطلاعات نشان می‌دهد عموماً زوجین چهار یا پنج سال فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند. برخی معتقدند این تأخیر عمدتاً جنبه اقتصادی دارد در حالی که نزدیک شدن به زندگی هرکدام از این زوجین می‌تواند اطلاعات شفاف‌تری از این وضعیت به ما ارائه دهد.

باید گفت، در کنار مسئله اقتصاد که امر مهم و تأثیرگذاری است، باید از تأثیر مسائل فرهنگی نیز یاد کرد. مسئله جمعیت برای سیاست‌گذاران ایران امروز به یکی از مسائل مهم و حیاتی تبدیل شده است. حرکت رو به پیری جامعه این هشدار را می‌دهد که در کنار فراهم کردن مشوق‌های مالی و حمایت از خانواده‌ها در این زمینه، باید کار فرهنگی نیز صورت گیرد.

کتاب «هر روز معجزه تازه‌ای اتفاق می‌افتد»

اهل بیت وحی بر اساس علم لدنی و الهام وحیانی، نه تنها پسرده از اسرار پیچیده‌ی خلقت و هستی برداشته‌اند، بلکه راهنمای‌هایی دقیق و جامع برای زندگی دینی، انسانی و علمی ارائه داده‌اند که تا قیامت راهگشا و هدایت‌گر است.

در طول تاریخ اسلام، یکی از ویژگی‌های خوب شیعیان، تلاش برای حفظ و گسترش علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده است. شیعیان همواره بر این باور بوده‌اند که اهل‌بیت سرچشمه پاک‌ترین و خالص‌ترین معارف الهی هستند و دسترسی به مفاهیم بلند دینی و اسنایی جز از طریق احادیث و تالیم آنان ممکن نیست. از این‌رو، علم‌آموزی از میراث اهل‌بیت نه تنها یک وظیفه شرعی، بلکه یک رسالت تاریخی بوده است که شیعیان در طول قرون مختلف بر دوش خود احساس کرده‌اند. این تلاش مداوم برای حفظ و گسترش علم آموزه‌های اهل‌بیت در جامعه، به یک جریان فکری قدرتمند تبدیل شد که همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت شیعه و بقای معارف اصیل اسلامی ایفا کرده است. در این میان، برخی از روایات برجسته اهل‌بیت علیهم‌السلام روشن‌کننده اهمیت این مسئولیت است. به عنوان نمونه امام رضا علیه‌السلام با اشاره بر ضرورت احیای امر اهل‌بیت، بیان کرده‌اند که آگاهی‌یابی نسبت به علوم اهل‌بیت، راهی است برای زنده نگه‌داشتن آرمان‌ها و دعوت مردم به معارف راستین اسلام. در واقع، اگر زیبایی‌های سخنان اهل‌بیت به همگان معرفی شود، مردم به دلیل فطرت پاک و حقیقت‌طلب خود، این مسیر نورانی را خواهند پذیرفت. عبدالسلام بن صالح هروی می‌گوید: شنیدم از امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام که فرمود: «رحمت خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند» به ایشان گفتم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود: «علوم ما را بیاموزد و به مردم آموزش دهد، زیرا اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، از ما پیروی خواهند کرد؛ نَعْلَمُ عَلَومَنَا وَنَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوَ عَلَومًا مَخْبِئِينَ كَلِمَاتِنَا لَأَتَّيُونَنَا» این مسئولیت خطیر، شیعیان در طول تاریخ را بر آن داشته

بازدید وزیر فرهنگ عراق از دستاوردهای صنعت چاپ ایران

احمدفکاک احمد وزیر فرهنگ و گردشگری عراق در حاشیه حضور در نمایشگاه کتاب تهران، ضمن بازدید از سالن صنعت چاپ با دستاوردهای این صنعت و آمارهای صادراتی قرار گرفت. همزمان با نخستین روز سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، احمد فکاک احمد وزیر فرهنگ و گردشگری عراق به همراه سید عباس صالحی از سرای هنر صنعت چاپ بازدید کرد. در این دیدار محسن جوادی رئیس نمایشگاه کتاب تهران، عباس زارع مدیرکل فتر چاپ و نشر وزارت فرهنگ و احمد ابوالحسنی، رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران کشور حضور داشتند. احمد فکاک احمد در جریان این بازدید ضمن



آشنایی با دستاوردهای صادراتی صنعت چاپ ایران از امار و ارقام صادرات و واردات بین دو کشور بازدید از محصولات چاپی آگاه شد. عباس زارع مدیرکل دفتر چاپ وزارت ا شاد در این بازدید در توضیحاتی گفت: حجم صادرات ایران به عراق ۶۰۰ هزار و ۶۰۰ تن، بوده و فعالان تجاری ایران سال گذشته حدود هزار و ۷۰۰ تن واردات از عراق داشتند که عموماً در حوزه قوطی فلزی بوده است. مسیولان فرهنگی کشور عراق در دیدارهای گذشته و گفت وگو ها درباره حضور به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب تهر، ن، یکی از اهداف این حضور را بهره‌مندی از توانمندی صنعت چاپ ایران عنوان کرده‌اند.

خانواده مستبد شاخصه ها و راهکارها



دکتر مجتبی خندان
(پژوهشگر عرصه خانواده)

حق را بشناسی. اگر برای شناخت حق در پی آن باشییم که دیگران چه می‌گویند، از حق فاصله گرفته ایم. (۱۰) روزی حارث بن حوط لیثی نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و از اوضاع سیاسی آن زمان که عده ای مقابل علی (ع) ایستاده بودند، پرسشان بود. حضرت بر او فرمودند: «ای حارث، به پایین نگاه کنی، افراد را ملاک قرار می دهی و به بالا و سرچشمه نگاه نکنی، از حق دور می شوی. تو حق را با پیروزی پیروان حق بشناس و باطل را با اجتناب آنان که از باطل دوری می کنند دریاب.»(۱۱)

پادشاه ها و تشویق ها چنان که در فضایی مقابل فرزندان دیگر رخ دهد، نه تنها برای فرزند تشویق شده پیامدهای منفی دارد، بلکه برای فرزندان دیگر نیز آسیب زا است؛ زیرا فرزندان تفاوت های خود با یکدیگر را درک می کنند و تا حدی آن را می پذیرند. آنها قبول دارند که یکی با هوש تر و دیگری متفاوت با او، یکی بیرون گراتر و دیگری متفاوت با اوست و هر یک از این ویژگی ها، نتایج ویژه ای در تحصیل و... دارد، یکی از فرزندان را در برابر دیگران تشویق می کند، فرزندان دیگر که قدرت بدنی یا فکری کمتری دارند، احساس شکست می کنند. اینها فرزندان بی‌دون اعتماد به نفس، ناامید، شکست خورده و مبتلا به حسادت خواهند بود. اگر فرض کنیم در این موارد، تشویق سبوی داشته باشد، پیامدهای منفی آن به مراتب بیشتر است.

۹. جبهه گیری دسته جمعی
وقتی فرزندان، از والدین خود اعمال قدرت و سلطه می بینند و این پدیده را مانع آزادی عمل خود تحلیل می کنند، می کوشند یک پارچه شوند و جبهه ی مشترکی تشکیل دهند. آنها عمل هم نظرند که باید کاری کنند تا از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند. در این صورت همه یک صدا می گویند: محدودیتی هایی که در خانواده ی ماست، در خانواده های دیگر نیست و نباید این طور باشد. همه ی آنها یکدیگر را تأیید می کنند تا از مزایای این یک پارچگی برخوردار شوند. وقتی وحدت نظر باشد، فرزندان پرشورتر تلاش می کنند تا یار جمع کنند و بقیه را با خود شریک سازند. وقتی سایر فرزندان در کاری سهیم می شوند، اولاً احساس گناه آنها کمتر می شود و ثانیاً، فقط فرزندان پرشور مقصر به حساب نمی آیند و به تنهایی تنبیه نمی شوند. این یک پارچگی در خارج از کانون خانواده، به شکل های رسمی و به منزله ی اعتراض، اعتصاب و تظاهرات در بسیاری از محدودیت های دانش آموزی و دانشجویی، برای به دست آوردن آزادی، بیان، آزادی روابط و... دیده می شود. اما در محیط خانه، شاید چنین رسمیتی نداشته باشد. بنابر اعتقاد فرزندان به دل سوزی پدر و مادر دربارہ ی آنان و تجربه ی فراوان تر بزرگ تر ها، صورت طبیعی روابط فرزندان با والدین این است که آنها با یکدیگر سازگار باشند و هویت خود را از نظام حاکم بر خانواده به دست آورند، اما گاه ی فرزندان از محکم می زنند و آن را ارزش گذاری می کنند. بچه های خود را شدیداً به قضاوت دیگران دربارہ ی آنها وابسته می سازند و ارزش های شخصی آنها را سلب می کنند و گاه فرزند فکر می کند اگر در امتحان ریاضی نمره ی بیست نیاورد، در المپیاد ادبیات مدرسه پیش از سه سلط باشد، محکوم به تعلیم و تفریق و تشر برتر کلاس معرفی نکند، و بهترین دانش آموز شناخته نشود، ارزش خود را از دست داده است. این تصور، بسیار خطرناک است و به کرامت فرزند آسیب می زند؛ باعث می شود از خود، تصویر منفی پیدا کند و خود پنداره ی بدی در خود بیابند. به اینک می داند از ارزش هایی برخوردار است که به چشم دیگران نیامده است. عین این بی طالب‌بار(ع) می فرماید: فلا ترج خیرہ یعنی به کسی که خود را بست بشمارد و جرئت خود را در میان دیگران از دست رفته ببیند، دگر امری نداشته باشد.(۹) چنین فرزند ی عزت نفس خود را از دست می دهد.

برخی والدین ممکن است در زمینه ی تنبیه فرزندان کمتری احتیاط ورزند و چندان به آن گرایش پیدا نکنند، اما در باب خوبی پاداش دادن به فرزندان و تشویق آنها، کسی تردید ندارد؛ در حالی که به نظر می رسد سبب وابسته شدن فرزند به تشویق پدر و مادر نیز پیامدهایی دارد که نمی توان به سادگی از آن گذشت. این نکته اهمیت دارد که وابستگی فرزندان به تشویق والدین، آنها را تحت تسلط والدین بار می آورد و مانع بروز شخصیت آنان می شود؛ در حالی که شکفتن، سهم هر انسان با استعدادی است. طبیعی است که چنین افرادی همواره در اجتماع، ارزش و اهمیت خود را بر اساس نگاه دیگران به خود ارزیابی می کند. این حالت، آنها را شخصیتی وابسته با می آورد که به تناسب ارزش های اجتماعی در هر دوره، چهره عوض می کنند و ارزش های ثابت شخصی ندارند. آنها می خواهند در چشم دیگران، همواره در قله ی افتخار باشند و برنده و خوب ارزیابی شوند. فرزندان ما باید بدانند که حقانیت صاحبان حق، به تأیید و رد دیگران وابسته نیست. تشویق زیاد باعث می شود که تنها ملاک حق، تشویق و تنها ملاک باطل، تنبیه دیگران به حساب آید. در روایتی از امیر مومنان، علی (ع) آمده است: مردم را معیار حق قرار نده. حق را بشناس تا اهل

قسمت ششم.

۶. قلدری و زورگویی
یکی از پیامدهای نظام پاداش و تنبیه در خانواده این است که وقتی پدر و مادر از قدرت خویش برای مدیریت زندگی استفاده می کنند و خود را مدبر ی مقتدر در خانواده تصور می کنند، فرزندان رفتار آنها را نوعی زورگویی به شمار می آورند. آنها حاضر نیستند این مدیریت را مقتدرانه بدانند و زمانی که خود در جایگاه مدیر قرار می گیرند، معمولاً بر افراد زیردستان حکومت می کنند. الگوی آنها تصویری است که از والدین خود دارند. به عبارت دیگر هر گاه خواستید بدانید رفتار والدین با فرزندان شما چگونه است، می توانید به فرزندان آنها قدرت دهید تا بر نیروهای زیردست خود مدیریت کنند. الگوی مدیریت آنها به صورت غالب نشان می دهد که نوع رفتار والدین با آنها چگونه بوده است. نقشی که دختر در مدیریت گروه همسال ایفا می کند، بیانگر نوع رفتار مادر با اوست.

والدین باید به این نکته توجه داشته باشند که استفاده ی آنها از قدرت، آن قدر حساب شده و ظریف باشد که فرزندان، آن را زورگویی تعبیر نکنند؛ یعنی آن قدر منطق و عاطفه در کنار یکدیگر باشد که تصویر قدرت والدین، کمتر با بی منطقی و بی عاطفگی در ذهن فرزندان نقش بندد. اگر پدر و مادر در تربیت فرزندان خود از زور و قدرت به صورت چشمگیری استفاده کنند، فرزندان آنها نیز عموماً چنین رفتاری با دیگران خواهند داشت.

۷. نزول موقعیت فرزندان
ایجاد فشار بیرونی و الزام در تربیت، افزون بر تأثیرات منفی که بدان اشاره شد، منزلت و موقعیت فرزندان را در دیدگاه خودش و در نظر خداوند متعال، خدشه دار می کند. مسلماً فرزند هر گاه با تربیت تحمیلی مواجه می شود، پیش از هر چیز، والدین را مقصر می داند، که خود باعث بی مهری و انزجار از آنها می شود. در روایتی که در بخش «پیامدها» از امام صادق (ع) نقل شد، آمده است که آن حضرت به عبدالعزیز فرمودند:

یا عبدالعزیز، لا تسقط من هو دونک فیسقطک من هو فوقک» (۷) «ای عبدالعزیز، رزمینه ی سقوط فرد پایین تر از خود را فراهم مکن، چرا که در این صورت، فرد بالاتر از تو نیز رزمینه ی سقوط تو را فراهم خواهد کرد».

در روایتی دیگر، امیر مومنان (ع) تعاقب را از عوامل بزرگ منزلیتی در چشم متریی معرفی می کند و می فرماید: عظمتوا اقدارکم بالتعاقب من الدنئی من الامور...» (۸) «قدر خود را با تعاقب از کارهای رشت دیگران افزایش دهید.» این سخن نشان می دهد که بهره مندی والدین از تدبیر و سیاست، بسیار ضروری و لازم است. تدبیر پدر و مادر، آنها را به تعاقب دعوت می کند؛ و گر نه والدینی که سادگی می کنند و می خواهند به جزئی ترین مسائل بپردازند و از آن نگذرند، رابطه ی میان خود و فرزندان را بسیار خدشه دار می کنند و منزلت خود را در چشم آنان فرو می آورند.

۸- وابستگی به ارزش های دیگران
خانواده ای که از پاداش و تنبیه، فراوان استفاده می کند، در ضمیر فرزند خود این نکته را حک می کند که او به خوب جلوه کردن مقابل دیگران، ممتاز شناخته شدن و رد نشود نیازمند است. همه ی ما از پذیرفته شدن، تأیید شدن، مطلوب واقع شدن و نگاه مثبت دیگران به خود خرسند می شویم، اما این حالات نباید باعث شود شاخص حقانیت افکار، اعتقادات، باورها و رفتارهای فرزندان از محکم می زنند و آن را ارزش گذاری می کنند. بچه های خود را شدیداً به قضاوت دیگران دربارہ ی آنها وابسته می سازند و ارزش های شخصی آنها را سلب می کنند و گاه فرزند فکر می کند اگر در امتحان ریاضی نمره ی بیست نیاورد، در المپیاد ادبیات مدرسه پیش از سه سلط باشد، محکوم به تعلیم و تفریق و تشر برتر کلاس معرفی نکند، و بهترین دانش آموز شناخته نشود، ارزش خود را از دست داده است. این تصور، بسیار خطرناک است و به کرامت فرزند آسیب می زند؛ باعث می شود از خود، تصویر منفی پیدا کند و خود پنداره ی بدی در خود بیابند. به اینک می داند از ارزش هایی برخوردار است که به چشم دیگران نیامده است. عین این بی طالب‌بار(ع) می فرماید: فلا ترج خیرہ یعنی به کسی که خود را بست بشمارد و جرئت خود را در میان دیگران از دست رفته ببیند، دگر امری نداشته باشد.(۹) چنین فرزند ی عزت نفس خود را از دست می دهد.

برخی والدین ممکن است در زمینه ی تنبیه فرزندان کمتری احتیاط ورزند و چندان به آن گرایش پیدا نکنند، اما در باب خوبی پاداش دادن به فرزندان و تشویق آنها، کسی تردید ندارد؛ در حالی که به نظر می رسد سبب وابسته شدن فرزند به تشویق پدر و مادر نیز پیامدهایی دارد که نمی توان به سادگی از آن گذشت. این نکته اهمیت دارد که وابستگی فرزندان به تشویق والدین، آنها را تحت تسلط والدین بار می آورد و مانع بروز شخصیت آنان می شود؛ در حالی که شکفتن، سهم هر انسان با استعدادی است. طبیعی است که چنین افرادی همواره در اجتماع، ارزش و اهمیت خود را بر اساس نگاه دیگران به خود ارزیابی می کند. این حالت، آنها را شخصیتی وابسته با می آورد که به تناسب ارزش های اجتماعی در هر دوره، چهره عوض می کنند و ارزش های ثابت شخصی ندارند. آنها می خواهند در چشم دیگران، همواره در قله ی افتخار باشند و برنده و خوب ارزیابی شوند. فرزندان ما باید بدانند که حقانیت صاحبان حق، به تأیید و رد دیگران وابسته نیست. تشویق زیاد باعث می شود که تنها ملاک حق، تشویق و تنها ملاک باطل، تنبیه دیگران به حساب آید. در روایتی از امیر مومنان، علی (ع) آمده است: مردم را معیار حق قرار نده. حق را بشناس تا اهل

ادامه دارد.....